



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۲/۰۳/۲۴

محمد صالح گردش

## ریشه کلمه نبات<sup>۱</sup>

نبات اسم پارسی قند است که آن را فانیذ گویند. (انجمن آرا). (آندراج). نوعی قند مصفا که بعضی اهل هند آن را مصری گوید. (غیاث اللغات). شکر تبدیل شده به بلور مانند که الفاظ دیگرش قند مکرر و فانیذ است. ( لغت نامه دهخدا، زیر کلمه نبات)

منظور از این عنوان و نوشته، جست جوی ریشه کلمه نبات است که چند جا در ابیات حضرت حافظ آمده است و تلاشی است که این کلمه از کجا و از کدام زبان وارد زبان پارسی شده است؟ بر خلاف فرهنگ های پارسی در رابطه نظر من این است که کلمه نبات در اصل پارسی نیست. پس در پی جست جوی ریشه ی این کلمه می شویم تا به کجا خواهیم رسید:

نبط (نَبَ) گروهی از مردم که در بطائح میان عراقین نازل شدند. ( منتهی الارب). نبطي و نباطي و نباط منسوب به وي. مثل یمني و یماني و یمان ( منتهی الارب). قومی اند که در بطائح میان عراق عرب و عراق عجم، یا به سواد عراق ساکن بوده اند. و اینان مردمی غیر عرب بوده اند که عربیت گزیده اند و در برآوردن آب ماهر و به کثرت فلاحت مشهور بوده اند. (از یادداشت های مرحوم دهخدا. لغت نامه دهخدا). در این که نبطي ها چه قومی بوده و از کجا آمده اند اختلاف است. بعضی میگویند مسکن اولی آنها در داخل عربستان بوده بعد به بین النهرین هجرت کرده اند و آشوریها یا مادی ها آنها را به بادیه رانده اند. بعضی دیگر معتقدند که مسکن اصلی آنها در بین النهرین بوده و از آنجا به اطراف رفته اند. «کوسن درو پرسوال» معتقد است که نبطي های تیره را بخت النصر از بین النهرین که موطن اصلی آنها بود در ضمن لشکر کشی با خود آورده و در اینجا سکني داده است که اینان نیز مثل اعراب بانه از طوایف آرامی بوده اند که در شمال عربستان میان سواحل فرات خلیج فارس و مدیترانه و دریای سرخ زندگانی میکردند. (لغت نامه دهخدا به نقل از تاریخ اسلام، تألیف فیاض)

برخلاف «کوسن درو پرسوال» نظر من این است که نبطي ها و یا نباطي ها ممکن است توسط یکی از فراعنه یا زمام داران مصر بعد از فتح مناطق بین النهرین به خاطر استحکام يك خط تدافعي و سرکوب خیزش های مردم این مناطق از درون ، به این حوزه جغرافیایی اسکان شده باشند، البته طوری که دیده شد در رابطه کدام سند تاریخی موجود نیست، ولی از نظر من نبطي ها از تیره و نژاد قبطي و مصري الاصل خواهند بود. طوری که با استناد از لغت نامه دهخدا در بالا گفته آمد، نباطي ها در برآوردن آب ماهر و به کثرت فلاحت مشهور بوده اند. پس نباطي ها مردم زراعت پیشه بوده اند و مصر باستان یکی از زیست گاه های اولیه زرع و کشت نباتات و حبوبات بوده است و نه عربستان. هم چنان به نظر این قلم، نبات که خوردنی شیرین و ساخت دست انسان است از ریشه نام همین طایفه خواهد بود و نباطي ها کسانی بوده اند که بعد از استقرار و توطن در حوزه بین النهرین و یا اطراف آن غرض به دست آوری درآمد های مالی و امرار معاش، در ضمن زراعت و فلاحت، دست به کار تولید نبات نیز زده باشند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

ناگفته نباید گذاشت که شاید قبلاً تولید و ساخت این شیرینی در مصر باستان معمول بوده است و ازین که در این نواحی تولید کننده گان این نوع قند، نبات ها بوده اند، پارسیان چنین قندی را نبات خوانده اند. تعدادی از مردم پشتون سرزمین ما نیز این نوع قند را «مصری» می گویند و نیز چنان که گفته شد بعضی مردم هند نیز آن را مصری گویند. پارسیان از لحاظ نزدیک بودن محیط زیستی و شناختی که از نزدیک با این طایفه داشته اند، اسم خود طایفه تولید کننده را بالای این فرآورده گذاشته اند، ولی مردم حوزه هند از آن جایی که دور تر از ساحه زیست نباتی ها می زیستند و هم از آن جایی که مصر در گذشته ها از سرزمین های مشهوری بوده است، با شنید این که تولید کننده گان چنان قندی در اصل مصری ها بوده اند، آن خوردنی شیرین را ممکن است به اسم مصر منتسب ساخته آن را مصری گفته باشند.

قند یکی از کلمه های سانسکریت است که ممکن کلمه Candy در زبان انگلیسی از همین ریشه باشد. مقصود این که مردم و سرزمین هند باستان نیز در ساخت و تولید قند تاریخ طولانی داشته اند ولی این نوع قند بلورین که حالا درین حوزه معمول و امروزه بلخیان در ساخت و تولید آن شهرت دارند و پارسیان آن را نبات می گویند، مبتکرین و تولید کنندگان آن در اصل مردم مصر بوده باشند. کلمه نبات در شعر شعرای پارسی نمادی از شیرینی و مزه و لذت است. حافظ در بیتی گوید:

گفتم که لب گفت لبم آب حیات

گفتم دهنم گفت زهی حب نبات

شاخ نبات، آنچه بصورت شاخ در کوزه های نبات بر رشته ها بسته شود. (لغت نامه دهخدا) پس از آن- جایی که قناد قسمت بالایی نبات را به هیئت شاخ در می آورند، آن را شاخ نبات گفته اند که البته از لحاظ شیرینی نیز شیرین ترین حصه نبات است. شاخ نبات نیز در ادبیات پارسی نمادی از شیرینی است و حضرت حافظ در بیتی گفته است:

این همه شهد و شکر کز سخنم می ریزد

اجر صبریست کز آن شاخ نباتم دادند

و در بیتی دیگر از شاخ نبات چنین یاد می نماید:

حافظ چه طرفه شاخ نباتیست کلک تو

کش میوه دلپذیر تر از شهد و شکر است

باز هم در رابطه به شاخ نبات این که معشوق و یا معشوقه حافظ بوده باشد رجوع شود به مقاله «حافظ و نظر بازی هایش» همین اثر.

بیت زیر از حافظ می نماید که «نبات مصر» در شیرینی فرآورده مشهوری بوده است

دهان شهد تو داده رواج آب خضر

لب چو قند تو برد از نبات مصر رواج

به نظر می رسد که پارسیان نبات را «قند مصری» نیز می گفته اند که حالا در میان شان کاربردی ندارد، و قند مصری را حضرت حافظ در یکی از ابیاتش چنین به کار برده است که به نظر من منظور حافظ از قند مصری، نبات بوده است:

که نام قند مصری برد آنجا- که شیرینان ندادند انفعالش

پس با اتکاء به بیت اخیر و تذکر قند مصری که به احتمال زیاد اسم دیگر نبات بوده است، می‌توان ادعا نمود که سازنده گان و تولید کننده گان نبات، مردم مصر بوده اند و طایفه نبطی، نباطی و یا نباط شاخه‌یی از مردم قبطی های مصر باستان بوده اند که از گذشته های دور تاریخی در مناطق بین النهرین سکنی گزین گردیده و نبات را در این حوزه ها مروج ساخته اند که، نبات یا قند مصری نیز بر گرفته از اسم همین طایفه خواهد بود.

منابع:

- گردش، محمد صالح. حافظ شاعر مداح و طماع. مزارشریف: مطبعه صورتگر ۱۳۹۶ خورشیدی، صص ۲۱۷ الی ۲۲۱
- حافظ، شمس الدین محمد. دیوان بر اساس نسخه خلخال، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران انتشارات دوستان ۱۳۷۹